



شیر ایرانی

Panthera leo persica

مهرگان روزبه

معرفی و پیشینه

شیر ایرانی^۱ زیرگونه‌ای از گونه‌ی شیرهاست که روزگاری در منطقه‌ی وسیعی از شمال آفریقا تا بالکان، قفقاز و خاورمیانه تا ایران، پاکستان، هندوستان و حتی بنگلادش زندگی می‌کرد. آثار بسیاری از نقش‌های این شیر که نماد قدرت و نیروی زیستی بوده و در آثار نیاکان ما برجای مانده است، مؤید این ادعاست.

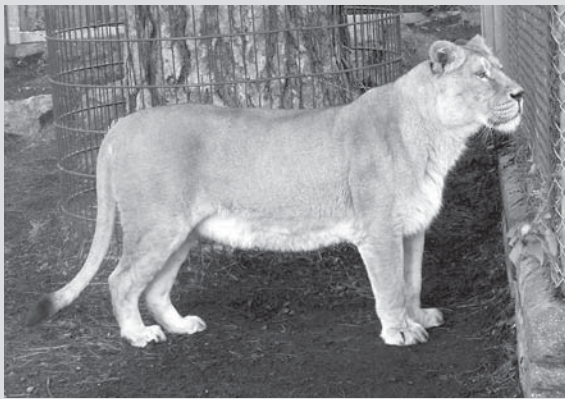
ارسطو و هرودوت از شیرهای بالکان نام برده‌اند. در تاریخ آمده است که شیرهای بالکان در سال ۴۸۰ پیش از میلاد تعدادی از شترهای خشایارشا، پادشاه پیروز هخامنشی را دریده‌اند. اگرچه برخی تصور می‌کنند که شیرهایی که در اروپا زندگی می‌کردند، به زیرگونه‌ای مجزا از شیرها، یعنی شیر اروپایی (*Panthera leo europaea*) تعلق داشته‌اند، اما بسیاری را عقیده بر آن است که شیرهای اروپایی در واقع به زیرگونه‌ی شیرایرانی تعلق داشته‌اند.

از حدود دوهزار سال پیش بدین سوی خیرها و گزارش‌هایی از انقراض شیر ایرانی از مناطق مختلف منتشر شده است. مثلاً، سال‌های ۸۰ تا ۱۰۰ میلادی را سال‌های انقراض شیر ایرانی در یونان و ارمنستان می‌دانند. شیر ایرانی در زمان جنگ‌های صلیبی در فلسطین، در قرن دهم میلادی در روسیه و جمهوری آذربایجان و در پایان قرن نوزدهم در ترکیه منقرض شد^۲. در هر حال این جانور هنوز تا زمان اختراع اسلحه‌ی گرم در آغاز سده‌ی نوزدهم، هم چنان در بسیاری از نقاط قلمرو خود فراوان بود.

این جانور پرشکوه تا سال‌های میانه‌ی قرن نوزدهم هنوز در بخش‌هایی از ایران مشاهده می‌شد. گزارش‌هایی از حضور این شیر در محیط زیست کشورمان در سفرنامه‌ها و یادداشت‌ها آمده است. مثلاً، «سن جن» در کتاب بلاغی درباره‌ی مشاهدات خود از شیر ایرانی در منطقه‌ی دشت ارژن فارس چنین نوشته است: «یک شکل گندم‌گون [شیر] بی صدا از بین درختان... ظاهر شد... شلاق خود را به صدا درآورد و داد کشیدم... با تعجب دیدم به جای برگشتن به جنگل، با عزم تمام به ما حمله برد. به طرف گلوی اسب پرش کرد. یا از روی حساب بدفاصله یا حرکت سر اسب به خاطر کشیدن دهنه... پرشش خطا رفت و در زیر رکاب راست فرود آمد^۳...»

در گزارشی که در سال ۱۹۱۶ منتشر شده است، درباره‌ی شیر ایرانی چنین نوشته‌اند «ده سال است یا بیش تر که شیر در این قسمت دنیا دیده نشده!»؛ اما در سال ۱۹۳۰ گروهی از مهندسان امریکایی در ارتفاعات بالای دزفول شیر ایرانی را مشاهده کردند^۴.

در سال ۱۹۴۲ شیر ایرانی در منطقه‌ای میان شیراز و جهرم در استان فارس مشاهده شد و سرانجام در ۲۲ ماه مه ۱۹۴۲ فردی هندی که در آن زمان نقشه‌بردار قشون انگلستان در ایران بود، در ۶۵ کیلومتری شمال غربی دزفول آخرین شیر ایرانی را زنده دید و پس از آن فقط یک گزارش از وجود این جانور در ایران منتشر شد: در سال ۱۹۴۴ جسد شیری ماده در ساحل رود کارون واقع در استان خوزستان یافت شد.



ویژگی های شیر ایرانی در یک نگاه

نام علمی: *Panthera leo persica*

وزن: نرها ۱۵۰ تا ۲۵۰ و ماده‌ها ۱۲۰ تا ۱۸۰ کیلوگرم
طول بدن (سر و بدن): نرها ۱٫۷ تا ۲٫۵ متر، ماده‌ها
۱٫۴ تا ۱٫۷۵ متر

طول دم: ۷۰ تا ۱۰۵ سانتی متر

بلندی شانه: نرها ۱۰۰ تا ۱۲۳، ماده‌ها ۷۰ تا
۱۰۷ سانتی متر

سن بلوغ جنسی: نرها ۵ ساله و ماده‌ها ۴ ساله

فصل آمیزش: در سراسر طول سال

مدت بارداری: ۱۰۰ تا ۱۱۹ روز

تعداد زاده‌ها: ۱ تا ۶

فاصله میان تولدها: ۱۸ تا ۲۶ ماه

شکار معمول: گوزن، آنتلوپ، بوفالو

طول عمر: ۱۶ تا ۱۸ سال

بازماندگان انقراضی بزرگ

خوشبختانه شیر ایرانی هنوز از صحنه‌ی گیتی محو نشده است. هنوز جمعیتی حفاظت شده از شیر ایرانی که بزرگی آن به ۳۵۹ قلاده (در آوریل ۲۰۰۶) می‌رسد، در پارک ملی «گیر» واقع در ایالت گجرات هندوستان زندگی می‌کند.

پارک ملی گیر حدود ۱۴۱۲ کیلومتر مربع وسعت دارد و از بوته‌ها و درختان برگ‌ریز پوشیده شده است. بخشی از پارک ملی گیر که گاه ساسان‌گیر هم نامیده می‌شود و تنها زیستگاه شیر ایرانی است، ۲۵۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و یکی از مهم‌ترین مناطق محافظت شده‌ی آسیاست. این پارک در سال ۱۹۶۵ بنیادگذاری شده است.

نخستین سرشماری شیرهای پارک گیر در سال ۱۹۳۶ صورت گرفت. در آن زمان از روی ردپا، جمعیت آن‌ها ۲۳۴ شیر برآورد شد. سرشماری بعدی در میان سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ به روش طعمه‌گذاری صورت گرفت و طی آن جمعیت شیرهای بالغ در حدود ۱۰۰ شیر تخمین زده شد. سرشماری اخیر که با روش استفاده از طعمه‌های زنده و آبشخورها صورت گرفته نشان از ایستایی جمعیت آن‌ها دارد. سرشماری سال ۱۹۹۰ نشان داده است که ۲۲۱ شیر بالغ در منطقه‌ی حفاظت شده‌ی گیر و حدود ۴۰-۳۰ شیر دیگر در مناطق اطراف آن زندگی می‌کنند. اخیراً با روش‌های سنجش از دور با امواج رادیویی مشخص شده است که در حدود ۲۰۲ شیر بالغ در این منطقه زندگی می‌کنند. این رقم به رقم سرشماری ۱۹۹۰ بسیار نزدیک بود.^۵

در آمار آوریل ۱۹۹۵ جمعیت شیرهای گیر ۳۵۹ قلاده برآورد شد و این رقم در مقایسه با آمار سال ۲۰۰۱ افزایشی برابر با ۳۵ قلاده



داشته است. اکنون در این منطقه در حدود ۱۸۰ شیر در اسارت اند و در برنامه‌ی پرورش شیر در این جنگل مشارکت داده شده‌اند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در سال ۱۹۰۷ فقط ۱۳ شیر ایرانی در جنگل زندگی می‌کرد و گفته می‌شود که همه‌ی شیرهای موجود از نسل این ۱۳ شیر هستند.

ویژگی‌ها

میان شیر ایرانی و شیر افریقایی تفاوت‌های اندکی وجود دارد. این تفاوت حتی اندکی از تفاوت‌های میان نژادهای آدمی هم کم‌تر است. تصور می‌رود که این دو زیرگونه در حدود ۱۰۰۰۰۰ سال پیش از هم جدا شده‌اند و جدایی آن‌ها منجر به تشکیل این دو زیرگونه شده است. تفاوت‌های ظاهری میان آن‌ها چنین است: یال شیر ایرانی کوتاه‌تر است و به این علت گوش‌های آن‌ها معمولاً قابل رؤیت است. جثه‌ی شیر ایرانی اندکی کوچک‌تر از شیر افریقایی است. موهای بدن شیر ایرانی بلندتر از شیر افریقایی و موهای انتهای دم و روی آرنج آن نیز بلندتر است. ویژگی مهم و ظاهری شیر ایرانی وجود یک چین پوستی مشخص در سراسر طول زیر شکم که در هر دو جنس نر و ماده دیده می‌شود. این چین در شیر افریقایی نامشخص است. طول بزرگ‌ترین شیر پارک گیر (از نوک بینی تا نوک دم) ۲۰۹ است. شیر ایرانی جانوری بسیار اجتماعی است و زندگی گروهی دارد. البته اندازه‌ی گروه شیر ایرانی از شیر افریقایی کوچک‌تر است و به طور میانگین ۲ شیر ماده در هر گروه زندگی می‌کنند. گروه‌های شیر افریقایی ۴ تا ۶ فرد ماده دارند. بزرگ‌ترین گروه شیرهای ایرانی در پارک گیر ۵ عضو داشته است. نرها معمولاً تنها زندگی می‌کنند و فقط در فصل جفت‌گیری و هنگام شکارهای بزرگ به گروه‌های ماده‌ها می‌پیوندند. شاید یکی از علت‌های این رفتار جثه‌ی کوچک‌تر شکار آن‌ها نسبت به شکار شیر افریقایی است.^۶

شیر ایرانی در ۳ یا ۴ سالگی بالغ می‌شود. اما نرها تا سن ۵ سالگی فعالیت جنسی ندارند. ماده‌ها در همه‌ی فصل‌های سال ممکن است بارور شوند و در هر زایمان معمولاً ۱ تا ۵ و به طور میانگین ۲ تا ۳ زاده به دنیا می‌آورند. نرها و ماده‌ها هر دو تا ۱۵ سالگی زایا هستند.

معمولاً در حدود یک سوم زاده‌ها در نخستین سال تولد می‌میرند. این مرگ‌ومیر در ۱۰ درصد از بالغین هم روی می‌دهد. ماده شیرهای گیر تا سن ۱۷-۱۸ سالگی و شیرهای نر تا ۱۶ سالگی عمر می‌کنند.

درون‌آمیزی و کاهش تنوع

گفته می‌شود همه‌ی شیرهای ایرانی امروزی از نسل ۱۳ شیر باقی مانده در سال ۱۹۰۷ هستند. بنابراین تنگنای ژنتیک موجب کاهش تنوع ژنتیک در میان آن‌ها شده است. بیم آن می‌رود که افراد جمعیت کنونی در برابر بیماری‌ها بیش از حد حساس‌اند و به نظر می‌رسد تغییر شکل ۷۰ تا ۸۰ درصد از اسپرم‌های آن‌ها خطر عقیم شدن را افزایش داده است. استفان اوبرین گزارش داده است که انگشت‌نگاری DNA شیرهای ایرانی مانند انگشت‌نگاری DNA دوقلوهای یکسان است.^۷

بررسی‌های دیگر نشان داده‌اند که همانندی ژنتیک میان افراد جمعیت شیرهای ایرانی به علت درون‌آمیزی‌های اخیر نبوده است، بلکه کمبود تنوع از ویژگی جمعیت اصلی آن‌ها بوده است.^{۹،۸} برخی گزارش‌ها نیز حاکی از آن‌اند که برآورد جمعیت آن‌ها در آغاز سده‌ی بیستم، به تعداد ۱۳ شیر نادرست بوده است. گزارش‌های دیگری حاکی از آن است که جمعیت آن‌ها در آن زمان در حدود ۱۰۰ بوده است.^{۱۰} چون روزگاری شکار شیر در هندوستان یکی از ورزش‌های استعمارگران انگلیسی بوده، این مؤید فراوانی شیر در منطقه بوده است.

آسیب‌های شیر ایرانی

آتش‌سوزی، سیل و بیماری‌های همه‌گیر از خطرهای تهدیدکننده‌ی این گونه هستند. کشاورزان و دامداران محلی نیز یکی دیگر از خطرات موجود به شمار می‌روند.

در حدود ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ چاه باز در منطقه وجود دارد. این چاه‌ها را که کشاورزان برای آبیاری گیاهان کاشتنی خود کنده‌اند، به صورت دام‌هایی برای این شیر عمل می‌کنند. اکنون دیوارکشی در اطراف این چاه‌ها یکی از چاره‌های کار است. کشاورزان منطقه‌ی گیر برای محافظت از محصولات‌شان به طور غیر قانونی در اطراف مزارع جریان‌های الکتریکی قوی برقرار کرده‌اند که موجب برق‌گرفتگی

شیرها می شود.

مهم ترین تهدید برای جنگل گیر حضور قبایل گیاهخواری است که در اطراف آن ساکن اند. هر خانواده ی این قبایل در حدود ۵۰ رأس گاو دارد. چرای بیش از حد این گاوها موجب کاهش تنوع شکار و کاهش شکارهای طبیعی شیرهای این منطقه شده است. این سبب شده است که شیرها گاه به گاوهای آن ها حمله کنند که خود موجب کشته شدن شیرها توسط افراد محلی را فراهم ساخته است.

بازگشت به ایران

پرسشی که اکنون ذهن بسیاری از هم وطنان، به ویژه زیست شناسان و طرفداران تنوع زیستی و محیط زیست وجود دارد این است: «آیا می توان شیر ایرانی را به ایران بازگرداند و دوباره، پس از ده ها سال غرش این جانور پرشکوه را در کوه ها و دشت های سرزمین مان شنید و از تغییر نام علمی آن به شیر هندی جلوگیری کرد؟ پاسخ مثبت است. اکنون معاونت سازمان محیط زیست کشور تصمیم به بازگرداندن سلطان جنگل ها و دشت ها دارد و جنوب زاگرس مکانی است که برای زیستن شیر ایرانی در نظر گرفته شده است. دکتر هرمز اسدی استاد دانشگاه به خیرگزاری میراث فرهنگی چنین گفته است: «من از سال ۱۹۹۱ به مدت چهار سال مدیر پروژه ی احیای ببر هندوستان بودم و از آن زمان ارتباط خوبی با متخصصان حیات وحش آن جا داریم و اطمینان دارم آنان برای هرگونه تعامل در این زمینه آمادگی دارند... برای شروع ۸ تا ۱۰ شیر لازم است. ۲ تا ۳ شیر نر و بقیه ماده. حداقل ۴ ماده ی بالغ... پس از سه سال این تعداد به ۲۵ شیر افزایش پیدا می کند. خوشبختانه شیرهای جنگل «گیر» وحشی هستند و می توان آن ها را در حالت نیمه اسارت نگهداری کرد. قدرت زادوولد خوبی دارند... طی این مدت می توان به بازسازی و غنی سازی زیستگاه حاشیه ی منطقه پرداخت. برای شروع می شود، نخستین خانواده شیرها را در ۱۰ هکتار نگهداری کرد. شناسایی و سرشماری و پرورش گونه های نظیر گراز، آهو و گوزن زرد به غنای غذایی شیر کمک می کند. گوزن زرد اکنون از نظر فیزیولوژی دچار مشکل شده و اغلب آبستن نمی شود. این ها را می توان به منطقه منتقل کرد تا به روند زندگی طبیعی ادامه دهند. در مورد شکار و دخالت غذایی برای تسهیل در رشد شیرها می توان برنامه ریزی کرد.

در حالت نیمه اسارت می توان تور تماشای این حیوان و نحوه ی شکار آن را برگزار کرد که قابلیت جذب توریست از تمام نقاط جهان را دارد... مناطق مناسب برای پرورش شیر ایرانی جنوب زاگرس و از خوزستان به سوی جنوب شرقی و مرکزی ایران است. ابتدا این مناطق باید بررسی شود. همگامی مردم محلی از شرایط مهم پیش برنده این پروژه است... شیر، بزرگ ترین گربه ی دنیاست و نعره اش تا ۸ کیلومتری شنیده می شود و یکی از مهم ترین جاذبه های گردشگری در حوزه ی تماشای حیات وحش محسوب می شود».

زیرنویس

۱. انگیزه ی تهیه ی این گزارش مختصر این خبر بود: «ایرنا: ... معاون سازمان محیط زیست گفت: این سازمان برای احیای نسل شیر ایرانی اقداماتی انجام شده [داده] و الان در یک قدمی تحقق آن است. شیر ایرانی آخرین بار حدود ۶۰ سال پیش در منطقه دز و کرخه در جنوب ایران و در استان خوزستان دیده شد و پس از آن نسل این نوع شیر در ایران منقرض اعلام گردید. پیش از انقراض نسل شیر در خاک ایران، چند قلاده از این گونه با ارزش به هندوستان منتقل شده بود که هم اکنون تعداد آن ها به ۳۰۰ قلاده رسیده است که در پارکی طبیعی به نام «گیر» زندگی می کنند. امید مسئولین سازمان حفاظت محیط زیست برای احیای نسل شیر ایرانی، به ماده شیرینی ایرانی بسته شده که در سیرک تهران یافت شده است. سازمان حفاظت از محیط زیست در این ماده شیر نشانه های یافته است که تأیید می کند این شیر از پدر و مادری ایرانی است. او که صبح پنجشنبه خبرنگاران را به سیرک تهران برد، این ماده شیر را نشان داد و گفت: امید ما برای احیای نسل شیر ایرانی اینک به توله گیری از این شیر و یک شیر نر ایرانی است که از مدتی پیش در محیطی کاملاً حفاظت شده در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست نگهداری می شود». منبع خبر: <http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-12/8609159915142351.htm>

2. http://en.wikipedia.org/wiki/Asiatic_lion

۳. فیروز، اسکندر؛ حیات وحش ایران (مهره داران)، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶
۴. همان

5. Wild Cats-Species Survey and Conservation Action Plan't Compiled edited by Kristin Nowell & Peter Jackson, IUCN, Gland, Switzerland.

6. <http://www.bristolzoo.org.uk/learning/animals/mammals/asiatic-lion>

7. <http://www.nationalgeographic.com/ngm/0106/feature3/>

8. <http://www.cza.nic.in/research1.html>

9. Shivaji, S., D.Jayaprakash and Suresh B. Patil (1998) Assessment of inbreeding depression in big cats: Testosterone levels and semen analysis. Current science. 75(9):23-30.

10. The Asiatic Lion Information Centre Accessed January 2007: <http://www.asiatic-lion.org/intro.html>

11. ۱۳۸۴/۹/۱۵ خبرگزاری میراث فرهنگی <http://www.chn.ir/News/?section=1&id=12541>